

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ جولای ۲۰۲۲

نگد طالب، پاسخ چاپلوسی های "حشمت غنی"!

یکشنبه- ۲۶ سرطان ۱۴۰۱ - کابل: امروز از طریق رسانه ها مطلع شدیم که "حشمت غنی احمدزی"، برادر "اشرف غنی احمدزی" فراری معروف و دزد اموال بیت المال، از این که نظام ملا سالار علی رغم وعده مصونیت اموال و جایداد مردم، در ننگرهار از وی خواسته اند تا منزلش را ترک و به اختیار آنها قرار دهد؛ زبان به شکایت کشوده است. در یادداشت کنونی بحث مختصری در همین زمینه داریم:

۱- هر چند یکی از ویژگی های آثار کلاسیک مارکسیستی این است که، استنتاجات و احکام آنها در تمام ادوار تازه و رهنما می باشد، با آنها در جمع آنها جملات و احکام کوتاه و جامعی وجود دارد که نه تنها هیچ گاهی کهنه و زمانزده نمی شوند، بلکه حیثیت احکام جاودانی و رهنمود روزمره را نیز دارند، از جمله حکم داهیانه "لنین" وقتی در رابطه با کتمان منافع طبقاتی در بطن هر حکم و جمله ای می گوید: این مهم نیست که ببینیم چه کسی کدام جمله ای را گفته است، مهم آن است که بدانیم آن جمله کدام منافع طبقاتی را نمایندگی می نماید. - نقل به مضمون-

۲- عام بودن و حقانیت این حکم "لنین" را می شود زمانی بدرستی درک کرد که بخواهیم موضعگیری ها از حمایت تا مخالفت های گسترده افراد را در ۴۰ سال اخیر، در پیوند با منافع طبقاتی آنها مورد مطالعه قرار دهیم. هرگاه از چنین منظری به رفت و آمد های افراد بین باندهای اسلامی نظر اندازیم متوجه می شویم که مثلاً در یک جایی یک تاجیک و یا هزاره و یا ازبیک از دل و جان از باند "گلبدین" و "طالب" تبار گرا حمایت می کنند، در حالی که در جای دیگری، یک شورونیسست پشتون خود را فدائی جمعیت اسلامی و شورای نظار معرفی می دارد.

این را باید بدانیم که وقتی با چنین پدیده ای مواجه شدیم، نباید فکر نماییم که گویا رشد فکری و عقیدتی آنها را واداشته است تا بر علایق تباری و مذهبی شان پای بگذارند و باندی را انتخاب و نمایندگی نمایند که آن باند صریحاً خود را دشمن موجودیت آنها می داند. بلکه ببینیم که در پی اتخاذ چنان موضعی، آیا حفظ باغ، تاک، زمین و سرمایه های منقول و غیر منقول نهفته است و یا خیر؟

۳- زمانی که "حشمت غنی احمدزی" بعد از فرار مقتضحانه برادرش به امارات رفت و از آنجا پیامهایی از جانب برادرش برای طالب آورد و به اصطلاح خواست "خودشیرینی" بکند، در کنار آن که کسانی وی را بدان علت محکوم نمودند، کسانی هم بودند که تحرکات وی را تلاش برای آشتی و جای باز کردن برای "غنی احمدزی" دانستند، مگر با کمال تأسف کمتر کسی متوجه بود که "حشمت غنی احمدزی" از موضع یکی از افراد خانواده های متمکن که به ارزش

میلیونها دالر جایداد غیر منقول در افغانستان دارند و می شود گفت حد اقل از دو نسل بدین سو از پدرشان شخص "غنی خان" گرفته تا پسرانش با هزاران حيله و نیرنگ زرانوزی نموده، جایداد خریده اند، تلاش دارد تا آن جایداد را از گزند احتمالی طالب صیانت نماید. از همین رو رنج و خرج سفر را قبول نموده، دیدن برادرش رفت، پیامهای حسن نیت که به نوعی بیعت شباهت داشت، با خود آورد. هدف وی از تمام این تحریکات حفظ جایداد خانوادگی و شخص خودش بود.

۴- دستور امروز طالب را می توان به مثابه آغاز حمله طالب و نظام ملاسالار بر اشخاص مشهور و جایداد های غیر منقول آنها به شمار آورد. یعنی طالب با صدور دستور عنوانی "حشمت غنی احمدزی" عملاً آغاز یک روند جدید را اعلام نموده که در نهایت به مصادره دارائی های غیر منقول نمایندگان حاکمیت پوشالی ساقط شده خواهد انجامید. یعنی حرکتی را که امروز علیه "حشمت غنی احمدزی" آغاز نموده، دیر و یا زود دامنگیر تمام آنهایی خواهد گردید که یا به اساس اعتماد فردی و یا به اساس اجرای دستور بادران امپریالیستی شان، به افغانستان برگشته و تلاش دارند از طریق چاپلوسی و "غوله مالی" حد اقل دارائی های شان را از تاراج طالب حفظ نمایند.

صدور فرمان و وارد کردن فشار بر "حشمت غنی احمدزی"، می تواند سرآغاز روندی باشد که به مرور زمان با زیر فشار قرار دادن افرادی چون "عمر وردگ"، "ابلاغ"، "کرزی"، "عبدالله" و ده ها و صد ها و ظن فروش و جاسوس دیگر ادامه بیابد. منتظر باشید نوبت آنها نیز می رسد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!